

چگونه روز آخر مدرسه را به بهترین روز سال تبدیل کنیم؟

روز آخر

خاطره خوش

پروین داعی پور

خودکار ساده باشد، می‌تواند رنگی باشد. سپس از همه بخواهید تا نام خودشان را خوانا بر بالای صفحه بنویسند. خودتان هم مانند بقیه بر روی کاغذ نامتان را بنویسید.

در ادامه بگویید: «حالا می‌خواهیم نوشته‌های را به یادگار از هم داشته باشیم. روش کار این است که وقتی من با صدای بلند گفتم بچرخونید، هر کس کاغذ خود را در جهت حرکت عقربه‌های ساعت به نفر بغل دستی‌اش می‌دهد. وقتی کاغذ جدید به دست‌تان رسید، نام صاحب کاغذ را بخوانید. سپس در یک خط، نظر خود را در مورد فرد مورد نظر بنویسید. شرط اصلی بازی این است که فقط بایستی موارد مثبت را بنویسید و اجازه نوشتن نکات منفی را ندارید و دیگر این که از یک خط بیشتر نشود. می‌توانید به جای جمله فقط صفات را بنویسید؛ مثلاً فکر کنید من می‌خواهم نظرم را در مورد فاطمه بنویسم، به طور خلاصه می‌توانم بنویسم مهربان، منظم، دوست خوب و دوست‌داشتنی. برای هر کس یک دقیقه تا یک دقیقه و نیم وقت می‌دهم و وقتی دوباره گفتم بچرخونید، هر کس کاغذش را به بغل دستی‌اش می‌دهد؛ این قدر این کار را می‌کنیم تا در انتها به کاغذ خود برسیم. متوجه شدید؟» معلم بایستی از فهمیدن دستورالعمل مطمئن شود. به سؤالات بچه‌ها جواب دهید. توجه کنید حتی با اصرار شاگردان به هیچ وجه اجازه نوشتن موارد منفی را ندهید. اگر آماده‌اند، بازی را شروع کنید!

در پایان بازی هر کس نوشته‌های زیبا از نظرات همکلاسی‌های خود دارد که برای عده‌ای به یقین تا مدت‌ها یادگار می‌ماند.

داستان

حتماً یک داستان کوتاه چند پاراگرافی انتخاب کنید و اگر می‌توانید آن را تکثیر کنید به هر کدام یکی بدهید. بگویید می‌خواهم برایتان یک قصه بخوانم و بعد با صدای

به پایان سال تحصیلی نزدیک می‌شویم و به زودی آخرین جلسه کلاس فرا می‌رسد؛ جلسه‌ای که می‌توان با پیش‌بینی انجام کارهای ساده گروهی آن را تبدیل به یک روز خوش، یک خداحافظی قشنگ و خاطره‌ای زیبا و فراموش‌نشدنی کرد. حقیقت این است که بعضی از خاطرات ساختنی‌اند و یکی از منابع و مراجعی که می‌تواند برای بچه‌ها خاطرات زیبایی بسازد، دوران مدرسه و معلم است. چه خوب است که در سالیان بعد دانش‌آموزان دیروز یک روز استثنایی را در مدرسه‌شان به یاد آورند و چه زیبا خواهد بود اگر قسمتی از این خاطره به معلم برگردد.

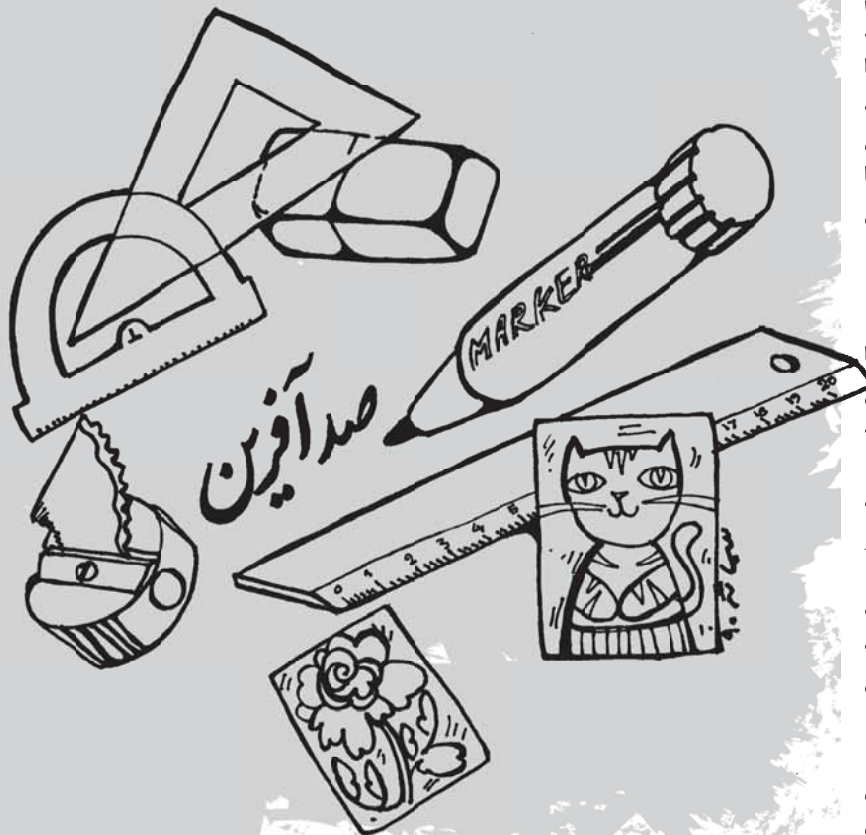
یکی از فرصت‌های مناسب، داشتن یک طرح درس شیرین برای روز آخر درس است. با انجام فعالیت‌های ساده و کم هزینه می‌توان یک روز خاص ساخت. فعالیت‌هایی که برای دانش‌آموزان لذت‌بخش و شیرین است و در عین حال نکات کوچک و چه بسا پربار معنوی، اخلاقی و رفتاری دارد. از روز آخر، یک روز استثنایی بسازید! روزی متفاوت با همه روزهای تحصیلی. ابتدا از نحوه و چیدمان نشستن شاگردانتان شروع کنید. از آن‌ها بخواهید تا گرد هم به صورت حلقه بنشینند؛ به گونه‌ای که همه بتوانند همدیگر را ببینند. خودتان هم در حلقه بنشینید. حتی الامکان میزی نبوده و فضای وسط خالی باشد. حال برنامه خود را اجرا کنید. برنامه را با فعالیت‌های گروهی و جذاب طراحی کنید.

فعالیت گروهی

ده‌ها بازی و فعالیت گروهی می‌توان طراحی کرد. از بازی‌های حرکتی گرفته تا بازی‌های دسته جمعی فکری. می‌توان بچه‌ها را به گروه‌های کوچک تقسیم کرد و با دادن موضوعی برای صحبت یا چیزی برای ساختن یا انجام یک کار گروهی آن‌ها را با هم به نتیجه رساند.

یک نمونه فعالیت

همه در حلقه دور هم بنشینند. به هر کس یک کاغذ سفید و یک وسیله نوشتن داده می‌شود؛ می‌تواند مداد یا



از روز آخر، یک روز
استثنایی بسازید!
روزی متفاوت با همه
روزهای تحصیلی

ساده است که هوشمندانه به آن معنایی عاطفی یا معنوی داده‌اید. بسیاری از آدم‌ها اشیای به ظاهر کم‌قیمتی دارند که به آن‌ها بسیار دلبسته‌اند. این اشیاء معمولاً یادگار افراد خاص یا دوران خاص است. نگاه به آن‌ها یادآور خاطرات جذاب و دوست‌داشتنی است. این یادگاریا به قدری برای فرد ارزشمند می‌شود که آن را برای همیشه نزد خود نگه می‌دارد. به ابتکار یک معلم خوش ذوق توجه کنید:

معلمی در آخرین روز تحصیلی به شاگردانش پاکت ساده‌ای هدیه داد که بر روی آن نوشته بود: «در این پاکت شما اشیای کوچکی خواهید یافت که کلید بسیاری از آورده‌های آینده شما را در خود جای داده است. برای من جدا شدن از شما سخت است اما همواره در قلبم خواهید بود.»

اما موجودی پاکت:

یک خط‌کش برای این که یادت باشد همیشه خطوطی هست که بایستی از آن پیروی کنی.

یک قلم برای این که یادت باشد هنوز خیلی چیزها هست که باید یاد بگیری.

یک مارکر برای این که یادت باشد هر جا می‌روی از خود اثر خوبی به جا بگذاری.

یک پاک‌کن برای این که یادت باشد می‌توان اشتباهات را جبران کرد.

به امید آن که خاطره خوش به پایان رساندن یک سال تحصیلی دیگر وجودتان را عطراگین و پراز مهر کند.

بلند آن را بخوانید. از بچه‌ها بخواهید از احساس و برداشت خود بگویند. به هر آن چه که احساس و برداشت‌شان است احترام بگذارید. به طور کلی داستان و قصه تأثیر عمیق بر روی همه دارد. با انتخاب یک داستان مناسب می‌توان خیلی حرف‌ها را انتقال داد. از معجزه قصه غافل نشوید و کلاً سعی کنید در طول سال هم فراخور درس‌تان از آن بهره ببرید و برای تفهیم مطالب از ذکر قصه یا ضرب‌المثل غافل نشوید. ادبیات ما مملو از داستان‌ها و حکایت‌های شیرین است. با قرائت داستان جلسه آخر خود را دلنشین سازید.

یک نمونه

شب عید بود و هوا، سرد و برفی.

پسرک، در حالی که پاهای برهنه‌اش را روی برف جابه‌جا می‌کرد تا شاید سرمای برف‌های کف پیاده‌رو کمتر آزارش بدهد، صورتش را چسبانده بود به شیشه سرد فروشگاه و به داخل آن نگاه می‌کرد.

در نگاهش چیزی موج می‌زد. انگار که با نگاهش، نداشته‌هایش را از خدا طلب می‌کرد، انگار با چشم‌هایش آرزو می‌کرد.

خانمی که قصد ورود به فروشگاه را داشت، کمی مکث کرد و نگاهی به پسرک که محو تماشای بود انداخت و بعد رفت داخل فروشگاه. چند دقیقه بعد، در حالی که یک جفت کفش در دستانش بود بیرون آمد.

- آهای، آقا پسر!

پسرک برگشت و به سمت خانم رفت. چشمانش برق می‌زد. وقتی آن خانم کفش‌ها را به او داد، پسرک با چشم‌های خوشحالش و با صدای لرزان پرسید:

- شما خدا هستید؟

- نه پسر، من تنها یکی از بندگان خدا هستم!

- آها، می‌دانستم که با خدا نسبتی دارید!

نمونه‌ای دیگر

در زمان‌های گذشته پادشاهی تخته سنگی را در وسط جاده قرار داد و برای این که عکس‌العمل مردم را ببیند خودش را در جایی مخفی کرد.

بعضی از بازرگانان و ندیمان ثروتمند پادشاه بی تفاوتی از کنار تخته سنگ می‌گذشتند. بسیاری هم غرولند می‌کردند که این چه شهری است که نظم ندارد. حاکم این شهر عجب مرد بی‌عرضه‌ای است و...

نزدیک غروب یک روستایی که پشتش بار میوه بود نزدیک سنگ شد و با هر زحمتی که بود تخته سنگ را از وسط جاده برداشت و آن را کناری قرار داد. ناگهان کیسه‌ای دید که زیر تخته سنگ قرار داده شده بود کیسه را باز کرد داخل آن سکه‌های طلا و یک یادداشت پیدا کرد.

پادشاه نوشته بود: هر سد و مانعی می‌تواند یک شانس برای تغییر زندگی انسان باشد.

یادگار

در آخر برای دانش‌آموزان‌تان می‌توانید یک هدیه کوچک انتخاب کنید. فراموش نکنید حتی اگر توان مالی هم دارید هیچ‌گاه اجناس لوکس هدیه ندهید. نکته مهم دادن اسبابی